

من هر چند نمی توانم خود را همپایه امیر کبیر بدانم؛ یعنی می کنم پای خود را جای پای او و شامگردانش و سپهسالار گذارم .

امین الدوله (۱)

کنل کاساکوفسکی که بعنوان رئیس قزاقخانه از نزدیکترین شخصیت‌های بیگانه دربار به شمار می رفت می نویسد : (امین الدوله بیشتر مرد تشریفات است تا مرد عمل ، غیر فعال و تنبل با اوضاع فغلی مشکل بنظر می آید بتواند از عهدہ صدارت در ایران بر آید) در جای دیگر می افزاید (با وجود اینکه رنگ و جلای اروپائی دارد و در حقیقت شخصی است کم - استعداد ، فاقد ابتکار و استقلال و کم شهرت) افضل التواریخ او را (سهل الاریکه ، لین الخلق نرم و ملایم با طمأنینه و وقار و با ادب) معرفی می کند ، ذوق نگارش و سبک انشاء و سخنوری و خردمندی و زمامداری او را می ستاید و حتی او را بر ترازیسمارک می داند (۳) و الثنین چیرول در کتاب با ارزش خود روی کار آمدن امین الدوله را بر اثر تمایلات انگلیسها می نویسد (۴).

پیرو (استاتو کو)

امین الدوله سیاست پوششی شگرفی داشت که جز با تحلیل و بررسی پر ژرف تاریخی و سیاسی نمی توان به بنیاد آن پی برد . دیدیم که بظاهر با همه سیاستمداران نزدیک و بادوستان دیرین نرد عشق می باخت ولی با هیچکس نبود .

امین الدوله بهمه بایک دید (نیاز و ابزار سیاست) می نگریست ، بجهت خوشنامی و قانون طلبی و نواخواهی خود را باشیخ هادی نجم آبادی ، میرزا ملکم ، سید جمال الدین اسد - آبادی هم فکر نشان می داد ، ولی این ظاهر و رویه سیاست بود بنیاد شیوه او (ماکیاویلیسم) بهره برداری از هر وسیله ، دست یازیدن بهر ابزار برای پیشرفت کار بود از اینرو می بینیم (عبدالله مستوفی) با همه خوشبینی به امین الدوله او را پیرو (سیاست استاتو کو Status - Quo ، بقا الشئی علی ماکان ۵) معرفی می کند .

در نوشته های متناقض این آزادیخواه نقابدار این واقعیت کاملا بچشم می خورد (استاتو کو) یعنی هواخواهی از وضع موجود ، شاگردان این دبستان معتقد به سنت طلبی هستند با تغییر هر اصل ارتجاعی محیط مخالفند چنانچه امین الدوله در حفظ مظاهر پوسیده و فرسوده کهن چنین می گوید :

(ایران هزار سال بهمین ترتیب اداره شده اصلاحات برای چیست ... با وجود شرع اسلام به قانون چه حاجت است) (۶) این عقیده یعنی هواخواهی از اصول ارتجاعی ، خود کامگی و جباریت ، خرافه پرستی باصطلاح (رآکسیونیسیم ، مونارشیسیم ، تیرانی) در جای دیگر خود را نوظلم و مشروطه خواه ، هواخواه حکمرانی قانونی ، جمهوری خواه و مخالف سلطنت (رفودمیست ، دموکرات ، شارتیست) معرفی می کند .

۱ - امیر کبیر فرزند خلف ایران صفحه ۶۴

۲ - خاطرات کنل کاساکوفسکی ۸۹-۱۰۹

۳ - افضل التواریخ خطی (مجلس شورای ملی)

۴ - تاریخ روابط ایران و انگلیس جلد ۶ صفحه ۱۶۸

۵ - شرح حال من یا تاریخ اداری و سیاسی قاجاریه جلد ۲ صفحه ۳۰

۶ - خاطرات امین الدوله ۱۴۳ - ۱۴۱ - ۱۵۰ ، راهنمای کتاب شماره ۱۶ و ۲

ستایش و نکوهش

درباره امین الدوله و کارهای مثبت و منفی ، گرایشهای سیاسی او نظرات گوناگون ابراز شده است که لازم است، از آن یاد شود، دروموندولف امین الدوله را رقیب اتابک مینویسد، معتقد است او ابتدا روس گرا بود ولی وقتی اتابک قبله سیاسی را از جنوب به شمال تغییر داد، امین الدوله آنکلو قبل شد .

(دکتر فوریه) امین الدوله را هواخواه سیاست انگلیس می خواند I علامه قزوینی او را (از ارکان دولت ناصرالدین شاه معروف به آزادی خواهی (اصلاح طلب) میدانند (۲))
گردگرن امین الدوله را (شریفترین و شایسته ترین وزیران) می داند و می نویسد (سن و سال متوسط و آداب درباری و افکار اعتدالی و املاک فراوان دارد ... اوتالی رقیب جوانتر و نسبت به صدراعظم در مرتبه دوم است علاوه بر ریاست شوری وزارت پست ووظایف و اوقاف را داراست) .

سپس درباره شناخت او می افزاید (اگر تاحدی بواسطه فقدان نیروی ابتکار و فعالیت نبود که گویا ناشی از وقوف کامل او از استقامت سیستمی است که افراد علاقمند به اصلاحات را گرفتار می سازد شاید می توان گفت که وی لایقترین سیاستمدار ایرانی است، من او را در منزلش که با سلیقه اروپائی آراسته شده بود ملاقات کردم با سهولت به زبان فرانسه صحبت می کرد . در نظر من جالبترین شخصی آمد که در ایران دیده بودم لحن کلامش راجع به کشورش مثل دوستدار حقیقی اصلاحات می نمود ولی این اشتیاق و امید را که کار ایران در زمان او اصلاح شود بکلی از دست داده بود (۳) .

مخبر السلطنه، امین الدوله را سیاستمداری بی حال معرفی می کند و در یادداشت های کوتاه خود در این باره می نویسد (مجدالملك کنایات لطیف و طعنها به بیحالی مستوفی زده است غافل از اینکه پسرش میرزا علی خان دست بالا خواهد گرفت ۴) .
پرفسور براون از او بخوبی یاد می کند او را معارف پرور معرفی می نماید (۵) .

1 - Religion And Rebellion In IRAN , P .43

۲ - یادداشت های قزوینی جلد ۸ ص ۱۵۳

۳ - ایران و قضیه ایران صفحه ۵۶۰

۴ خاطرات و خطرات ۶۳ و گزارش (داهنمای کتاب شماره ۲۰۱)

۵ - انقلاب ایران صفحه ۸۱

نظام اصلاحی را می توان به تعصب بیشتر از امین الدوله گفتگومی کند، اورا سیاستمداری (خوش مشرب، متین، دانشور) یادمی کند، از نظام تحسین آمیزوی در امر پست خانه سخن میراند (۱).

دکتر ملکزاده می نویسد (امین الدوله خوش ذوق و خوش مشرب بود دارای طبیعی متین و ملایم داشت... (۲).

عباس اقبال او را (اصلاح طلب و دنباله رو امیر کبیر) می داند، معتقد است (جراید را آزاد و زیاد کرد تا بتاسیس مدارس پرداخت، برای پیشرفت معارف انجمنی تأسیس کرد. در صدد اداره منظم مالیه و گمرک و خزانه برآمد و برای اینکار علاوه بر جلو گیری از تقلبات و دزدی های مستوفیان و مأموران مالی به آوردن مستشاران از خارجه اقدام کرد، سه تن بلژیکی که مشهورتر ایشان (نوز) بود برای نظم گمرک و ضرابخانه و پستخانه به ایران آورد (۳) (ظهور الدوله) در خاطرات خود بهنگام تبعید میرزا حسن رشیده و میرزا صادق ادیب الممالک نویسنده و شاعر آزاداندیش و مدیر روزنامه ادب از تهران، یاد از یکی از خدمت گزاران بزرگ جامعه که کمتر بزرگداشت آزاد شده است می کند.

این شخص میرزا حسن رشیده است که سفر به بیرون ایران می کند با فرهنگ نو آشنائی می یابد و در اواخر پادشاهی ناصرالدین شاه برای انجام آرزوی خود (جنبش فرهنگی) دست به بنیان دبستان در تبریز می زند. ولی ملایان کهنه اندیش و خود کامه و خرافه پرست حکم به بی آئینی او صادر می کنند. خانه اش را تاراج خود ویرا به کلات نادری در خراسان تبعید می کنند (۴).

دراول جلوس مظفرالدین شاه رشیده به تبریز مراجعت کرد این مقارن حکومت امین الدوله بود. حاج محسن مظفر الملک وسیله معرفی او به امین الدوله می شود رشیده (دوباره در سه خیلی بهتر از اول دایر کرد، مدرسه رشیده نامیده می شد... در صدارت رشیده را از تبریز به تهران خواست مدرسه، به اسم مدرسه رشیده بریاست و دستور العمل رشیده مرتب کرد... (۵)

کسروی درباره امین الدوله با واقع بینی نتیجه گیری می کند: (با همه نیکی مرد دلیر و توانائی نبوده و گرنه با این همداستانی که شاه با او داشته بسختی ها چیره درآمدی ۶) معبر الممالک، امین الدوله را (فهم و دانا و بسیار موقر) می نویسد، از تجمل و ترتیب پر شکوه و اشرافانه زندگی وی تعریف می کند (۷).

طالپوف نیز از امین الدوله به نیکی یاد می کند (۸) ژنرال سایکس اورا زمامداری (مطلع، فانیل، رفورمیست و معارف پرور) می خواند (۹) یحیی دولت آبادی اورا دستور دانشمند، از نقادان دوره قاجار سیاستمداری ترقیخواه، روشنفکر، مخالف اشخاص کهنه پرست و محافظه کار، فرهنگ دوست و وزیر روشن ضمیر می داند (۱۰).

۱ - تاریخ بیداری ایرانیان صفحه ۱۵۵

۲ - تاریخ انقلاب مشروطیت ایران جلد ۱ صفحه ۱۴۹

۳ - تاریخ مفصل ایران صفحه ۸۵۰

۴ - (خاوران) از آثار نویسنده این کتاب صفحه ۱۶۲

۵ - خاطرات و اسناد ظهور الدوله ۶۴ - ۶۲

۶ تاریخ مشروطه ایران ۲۳

۷ - رجال دوره ناصری (مجله یفما)

۸ - یفما شماره ۱۶۷ (نصرت اله فتحی)

۹ - تاریخ ایران جلد ۲ - ۵۳۵

۱۰ - حیات یحیی... جلد ۱ صفحه ۱۸۱

زمانه‌مداری امین‌الدوله

دیدیم امین‌الدوله از سالیان دراز بهنگام پادشاهی ناصرالدینشاه (حاضر الصداره) و پانوشته افضل‌الملک ارجح و اعظم وزراء بود (به ترتبه صدارت... اولیت و اولویت داشت) با این همه تقرب حال چرا ناصرالدینشاه تن بصدارت او نمی‌داد شاید با اسنادی که ارائه شد. پاسخ این پرسش دستگیرتان شده باشد؟

ناصرالدینشاه پادشاهی هوشمند و زیرک و رجل شناس بود و بقول کنت دو گویینو (ا زهرکس بهتر میدانست که با چه اشخاص کار میکند وزیرانش از چه قماش هستند) ۲) بنا بر این کسی با اینهمه بستگی‌های پنهانی و آشکار بهیچوجه صلاح نیست بر مسند صدارت نشیند.

ولی همینکه ناصرالدینشاه کشته شد رجال ترک و گروه هواخواهان انگلستان بر اوضاع مسلط شدند، ا تا بک دریافت که خطرناکترین دشمنان او امین‌الدوله است و اگر او در مرکز نقل سیاست (تهران) باقی باشد، او را (ناک‌اوت) خواهد کرد. از اینرو او را با پیشکاری آذربایجان و کردستان و وزارت ولیعهد محمد علی میرزا و امتیازات و اختیارات دیگر از تهران راند و برای جلب خرسندی وی بهنگام عزیمت (یک ثوب پالتوی ترمه با سردوشی الماس نمره اول با واعطا فرمود) ولی امین‌الدوله میدانست که این ترقی جنبه تنزل دارد کما اینکه (در حین سوار شدن و حرکت کردن به آذربایجان حالت بکاه در ایشان پیدا شد ۳) تف بر این سیاست که بجهت حجاب آدمی را چسان زار و زبون می‌کند.

گر چه با بیرون آمدن او از تهران پست وزارت پست او به پرسش (امین‌الدوله بعدی) واگذار می‌گردد، ولی واکنش بس نامطلوب در او بیجا می‌گذارد. امین‌الدوله در همین سفر خواهرزاده خود احمد آشتیانی (قوام‌السلطنه بعدی) را بعنوان دبیر وزارت و پیشکاری همراه میبرد تا پسر معتمد السلطنه را از نوجوانی بفن و قوت سیاست آشنا کند.

فلک بستن کلانتر تبریز:
امین‌الدوله در این مأموریت یک عمل ضد آزادیخواهان می‌کند که سبب جریحه‌دار شدن احساسات مردم آذربایجان می‌گردد.

(میرزا ابراهیم خان شرف‌الدوله برادر آصف‌الدوله * کلانتر تبریز بود امین-)

* این شخص صالح آصف‌الدوله فرزند حاج میرزا علی‌تقی باغیشه معروف بجاجی کلانتر نیای خاندان کلانتری و امیر کبیریان (داماد ساعدالملک پسر میرزا تقی خان امیر کبیر است) او را نباید با آصف‌الدوله دیگر آذربایجان (غلامرضا شاهسون) رجل جبار و ناپاک اشتباه کرد.

۱ - افضل‌التواریخ خطی جزء ۸۸ - اسناد خطی در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

۲ - گزارش ژوئن ۱۸۶۳. (۱۲۷۹) کنت دو گویینو (سند شماره ۲ نامه ۴ (میراث گویینو) مجله یفما شماره مسلسل ۱۵۰ - دیماه ۱۳۲۹.

۳ - افضل‌التواریخ خطی جزء ۳۳

الدوله صدر اعظم مظفر الدین شاه پس از آنکه فرمانفرمای آذربایجان گردید، بتصور اینککه کلانتر در نان شهر اخلاص و کارشکنی می کند او را بفلک بست، این عمل وحشیانه در تبریز اسباب اضطراب شد. اشخاصی که بحیثیت خود علاقمند بودند بوحشت افتادند، آبرو و حیثیت خود را در خطر دیدند درصدد اصلاح و تجدید اختیارات مأمورین حکومت برآمدند. آزادخواهان از این عمل قبیحه جداگتر استفاده را کرده اذهان عموم را برای قبول مشروطیت آماده ساختند. در هر حال این توهین اسباب محبوبیت و احترام شرف الدوله شد. مردم او را قربانی حکومت مستبد و باحترام و تجلیل او می خواستند از حکومت مرکزی انتقام بکشند چنانکه طولی نکشید که مشروطیت اعلام شد و اعیان تبریز شرف الدوله را بنمایندگی خود انتخاب کردند) مجتهدی به دنبال این مطالب چنین ادامه میدهد :

دلنگی از عمل قبیح امین الدوله اختصاص به طبقات عالی نداشت بلکه توده تبریز



نیز که نیکو کاریها و دستگیریهای حاج کلانتر را در مجامع ۱۲۹۴ قمری بیاد داشت تصنیف مر بوط باین دستگیریهار با وصف گذشت زمان (۱) ترنم می کرد، از این امر برآشت و تصنیف دیگر (۲) در هجو امین الدوله ساخت یعنی بیطرف نماند (۳).

تاریخ نویسان و سیاست دانان رجال این دوره را به ترك وفارس بخش کرده اند، هر کدام از دو جنبه گرایشی بیک سیاست بیگانه داشتند.

رجال ترك علیرغم فارسیان در اختیار انگلیسها بودند، اینان را بدینجهت رجال ترك می گفتند که چون به همراه مظفر الدین شاه از استان ترك نشین ایران (آذربایجان) آمده بودند.

(ادامه دارد)

محسن مشیر الدوله و امین الدوله

- ۱ - انبار درین دی حاج کلانتر سوی سرین دی حاج کلانتر
الله کریم دی حاج کلانتر
حاج کلانتر اندوهناک مباش، آب انبار عمیق و آب آن خنک است خداوند کریم می باشد.
- ۲ - در نکوهش امین الدوله و خطاب به او :
من گلیمش شاعر لردن شعر دوتم
من از تهران آمدم تا عرصه را برشاعران تنگ کنم پیش از همه ونخست کار را بر کلانتر دشوار گرفتم -
- ۳ - رجال آذربایجان در عصر مشروطیت صفحه ۷